

**سوال:** آیا کتاب مقدس تحریف شده است؟

**جواب:**

**مقدمه**

در میان ما ایرانیان، بسیار شنیده می شود که کتب مقدس مسیحیان دست خورده است، یا به عبارت دیگر، تحریف شده است. در این مقاله، خواهیم کوشید این موضوع را مورد کنکاش قرار دهیم و پاسخی برای آن بیابیم.

**تحریف یعنی چه؟**

پیش از بررسی و پاسخگویی به این مسأله، باید دید که مقصود از تحریف چیست. کلمه تحریف هم ریشه است با انحراف. در واقع، مدعیان تحریف کتاب مقدس معتقدند که متن اصلی بعدها دست خورده و افراد مغرض آن را به خاطر منافع خود تغییر داده اند.

مقصود از تحریف این است که عده ای در متن مقدس یک دین یا هر کتاب دیگری دست برده باشند. معنی دیگر تحریف می تواند این باشد که رهبران هر دینی، پیام اصیل آن دین را به هنگام تعالیم خود مورد تحریف قرار دهند. معتقدان به تحریف کتاب مقدس می گویند که کتاب هر دینی تا ظهور پیامبر بعدی دست نخورده باقی مانده، اما پس از ظهور پیامبر جدید، از میان رفته است و آنچه امروز در دست است، متن اصلی آن کتابها نیست.

**چرا چنین ادعایی؟**

دلیل چنین ادعایی از سوی این قبیل افراد این است که برخی مطالب کتاب مقدس مسیحیان با اعتقادات خودشان همخوان و همسو نیست. لذا برای توجیه این اختلاف، این ادعا را مطرح می سازند.

**نظر دانشمندان**

مسأله تحریف هیچگاه پایه علمی نداشته است، بلکه فقط از سوی آن دسته از معتقدین به خدا و کتب وحیانی مطرح شده که مندرجات کتاب مقدس را با معتقدات خود متناقض می یابند.

دانشمندان و پژوهشگرانی که به وجود خدا و امکان سخن گفتن او با انسان معتقدند، یا به عبارتی ساده تر ادیان را وحی الهی می دانند، به هیچ مدرک و سندی دست نیافته اند که دلیلی باشد بر اینکه متن کتاب مقدس (عهد عتیق و

عهد جدید) در طول زمان در اثر غرض ورزیهای اصحاب دین، دستخوش تغییر شده باشد. برعکس، ایشان به مدارکی دست یافته‌اند که ثابت می‌کند کتاب مقدس در طول قرون و اعصار با چه دقت و وسواس گونه‌ای نسخه برداری شده و به زمان ما رسیده است. در این زمینه، در بخش پایانی این مقاله توضیح مختصری داده شده است.

و اما در مورد دانشمندان ملحد و منکر خدا! از حدود ۳۰۰ سال گذشته، عده‌ای از دانشمندان غربی اعتقاد خود را به خدا یا ماوراءالطبیعه یا دخالت خدا در امور بشر یا ظهور پیامبران الهی یا معجزات از دست دادند؛ اینان حملاتی بس سهمگین‌تر از ادعای «تحریف» بر کتاب مقدس وارد آورده‌اند و می‌آورند. آنان به یکباره منکر این شده‌اند که کتاب مقدس مکاشفه الهی و کلام خداست. ایشان مندرجات کتاب مقدس را یکسره افسانه و تخیلات می‌پندارند و امکان هر نوع دخالت خدا در امور بشر و وقوع معجزات را نفی می‌کنند. خداشناس‌ترین این دسته از دانشمندان بر این باورند که فقط نکات اخلاقی کتاب مقدس قابل پذیرش است، وگرنه ماجرای طوفان نوح و ظاهر شدن خدا بر موسی بر کوه سینا و تولد عیسی از یک دختر باکره و ... همه افسانه است.

این دسته از دانشمندان، نه فقط کتاب مقدس را بلکه هر کتاب مذهبی دیگری را که حاوی معجزات باشد یا ادعای وحیانی بودن بکند، بالکل رد می‌کنند. اما هیچیک از آنان هیچگاه این ادعا را عنوان نکرده است که کتاب مقدس مسیحیان یا کتب آسمانی دیگر، در ابتدا وحیانی و اصیل بوده‌اند، اما بعدها مورد تحریف قرار گرفته‌اند.

## بررسی مسأله

### آیا اساساً امکان تحریف کتب آسمانی وجود دارد؟

اگر معتقد باشیم که کتاب مقدس مسیحیان را در آغاز خدا برای ارشاد و رستگاری بشر الهام فرموده، و برای این منظور، انبیا را گسیل داشته، آیا اساساً منطقی است که تصور کنیم چنین خدای مهربان و درضمن قدرتمندی اجازه دهد که هر کسی به خاطر سلیقه یا منفعت خود، کتاب خدا را تحریف کند؟

برای کسی که معتقد است کتب مذهبی در ادیان ابراهیمی از جانب خدا بر انبیا نازل شده، اساساً غیر منطقی است که تصور کند آنها تحریف شده‌اند. اعتقاد به تحریف کتب مذهبی، به‌طور غیرمستقیم به این معنی است که خدایی که کلامش را برای رستگاری بشر عطا کرده، توانایی کافی برای حفظ آن را ندارد و اجازه می‌دهد کلامش به دست اشخاص نااهل بیفتد و تحریف شود. اگر معتقدیم خدای قادر مطلق کلام خود را نازل کرده و هدفش این بوده که بشر را از طریق آن رستگار سازد، چگونه امکان دارد اجازه چنین کاری را بدهد؟ آیا او قدرت حفظ کاری را ندارد که خود انجام داده است؟ آیا کلام او برای خودش تا این حد بی‌ارزش است؟ آیا خدا نسبت به کلام خود می‌تواند بی‌تفاوت باشد؟ پس به عبارت بهتر، باید گفت که اعتقاد به تحریف کتب آسمانی، در واقع کفر به خداست!

آنچه که همه مؤمنین به خدا به آن ایمان دارند، بی‌شک این است که این خدا آنقدر قدرت دارد که کلام خود را از گزند روزگار و افراد مغرض حفظ کند.

بعضی می گویند که وقتی خدا پیامبر جدیدی می فرستاده و کتب پیش از او منسوخ می شده، دیگر توجهی به آن کتابها نداشته و اجازه داده که تحریف شوند. در پاسخ باید گفت که در ادیان ابراهیمی، هر پیامبر جدیدی که ظهور کرده، بدون استثنا رسالت خود را بر پایه کتب آسمانی قبلی استوار کرده است. یعنی نه فقط به آنها استناد و اشاره کرده، بلکه آنها را مورد تأیید قرار داده، و رسالت خود را دنباله رسالت آن انبیا دانسته است. پس اگر پس از ظهور یک پیامبر جدید، قرار باشد کتب قبلی تحریف شوند، چه کسی می تواند ادعای این پیامبر جدید را به محک آزمایش بزند و آن را با کتب قبلی مقایسه کند؟ اگر هر کتاب دینی با ظهور پیامبری جدید از میان رفته باشد، در مقابل وجود این همه نسخه های خطی قدیمی چه باید گفت، نسخه هایی که ثابت می کنند این کتابها تحریف نشده اند.

### با چه انگیزه ای؟

اما اساساً چه انگیزه ای برای تحریف کتاب مقدس وجود داشته است؟ مغرضین با چه هدفی می خواسته اند کتاب مقدس را تحریف کنند؟

معمولاً گفته می شود که افراد مغرض برای آنکه کارها و رفتار خود را بر اساس کتاب مقدس توجیه کنند، آن را تحریف کرده اند. واقعیت امر این است که اگر کسی بخواهد برخلاف احکام کلام خدا رفتار نماید، نیازی ندارد آن را تحریف کند. کافی است آن را به گونه ای وارونه تفسیر کند. در طول قرون متمادی، اکثریت مردم بی سواد بودند یا به خاطر نبودن دستگاه چاپ و گران بودن نسخ خطی، کتاب مقدس را در اختیار نداشتند؛ لذا تحریف شفاهی کلام خدا بسیار آسان بود و نیازی به تحریف اصل کتاب نبود.

مگر در تمام طول تاریخ کلیسا، رهبرانی نبوده اند که بر خلاف دستورات انجیل رفتار کرده اند؟ آیا همه آنها انجیل را تحریف کرده اند؟ آیا وقتی در قرون وسطی 'کلیسا بر خلاف دستور محبت مسیح، اقدام به جنگهای صلیبی کرد، گفته های مسیح در مورد محبت و بخشش دشمن را تحریف کرد؟ نه! دستور مسیح در کتاب در جای خود محفوظ بود، و رهبران مسیحی بر خلاف آن عمل می کردند و عمل خود را به گونه هایی دیگر توجیه می نمودند که بحث در مورد آن در این مختصر نمی گنجد.

اما درست در همان دوره جنگهای صلیبی، رهبرانی خداترس نیز بودند که این عمل را محکوم می کردند یا کلاً بر اساس کتاب مقدس علیه اقدامات پاپها اعتراض می کردند. اکثر آنها نیز به خاطر اعتراض خود کشته شدند.

تازه اگر علت تحریف این بوده که رهبران مسیحیت می خواسته اند اعمال خود را توجیه کنند، در اینصورت کتاب مقدس می بایست «در هر دوره زمانی» به خاطر منافع رهبران «همان دوره» مجدداً تحریف شود. به این ترتیب، کتاب مقدسی که اکنون در دسترس است، می بایست بارها و بارها مورد تحریف های متعدد قرار گرفته باشد. آیا واقعاً چنین بوده است؟ خوشبختانه کشفیات باستان شناسی ثابت کرده اند که کتابی که امروز در دست است، همانی است که در قرن اول نیز در اختیار مسیحیان قرار داشته است. برای بحث بیشتر در این زمینه، به بخش پایانی این مقاله مراجعه بفرمایید.

## امکان تحریف عهدعتیق

### چند سؤال مهم

مهم ترین سؤال:

#### چه کسانی تحریف کرده اند و در چه زمانی؟

اعتقاد به تحریف عهدعتیق (تورات و زبور و صُحُف انبیا) مستلزم این است که معتقد باشیم که این کتاب را جانشینان موسی تحریف کرده اند. برای مثال، آیا می توان معتقد بود که یوشع، آن مرد غیور و جانشین بلافصل موسی، تورات را تحریف کرده باشد؟

اما شخصی ممکن است بگوید که نه جانشینان بلافصل، بلکه سالها بعد، رهبران منحرف دست به چنین عملی زده اند. در اینصورت باید معتقد بود که مثلاً رهبران دین یهود، «همگی» «به یکباره» منحرف و فاسد شدند و هیچ شخص خداترسی دیگر در میانشان باقی نمانده بود! چنین تصویری، هم خلاف عقل است و هم خلاف شهادت تاریخ. به شهادت تاریخ، در همه دوره های عهدعتیق، انبیایی بودند که به حکام ستمکیش زمانه اعتراض می کردند که رفتارشان بر خلاف حکم تورات است. پس نتیجه می شود که اولاً آنها متن درست تورات را در دست داشتند، و ثانیاً بر اساس آن می توانستند رفتار درست را از نادرست تشخیص دهند. این انبیا معمولاً در راه اعتقاد و افشاگری شان کشته می شدند و نبی دیگری جایشان را می گرفت. نتیجتاً در میان قوم یهود همواره کسانی بودند که نسبت به کتب مقدسه شان تعصب و غیرت داشتند و تا پای جان در راه حفظ آن می کوشیدند.

بعضی ادعا می کنند که در حدود سال ۶۰۰ پیش از میلاد، زمانی که پادشاه بابل، یهودیان را به بابل به اسارت برد و اورشلیم و معبد بزرگ یهود را ویران ساخت، نسخ تورات و صحف انبیا نیز از میان رفت. چنین امری از نظر تاریخی صحت ندارد. نبوکدنصر، پادشاه بابل، پیش از ویرانی اورشلیم، نخست نجبا و دانشمندان و بزرگان قوم یهود را به بابل منتقل کرد. اینان کتب مقدسه خود را با خود بردند و میراث خود را حفظ نمودند. انبیای بزرگی همچون دانیال و حزقیال و زکریا از این جمله اند. این انبیا در دیار غربت، دائماً به کتب تورات و صحف انبیا اشاره کرده اند و بر اساس آنها گناهانشان را به ایشان هشدار داده اند؛ این امر در کتابهایشان منعکس است.

در دوره های بعدی، یعنی چهار قرن پیش از میلاد که قوم یهود تحت استعمار و استثمار فرمانروایان یونانی و رومی قرار داشتند، بارها کتب مقدسه شان مورد تهاجم قرار گرفت، طوری که اگر نسخه ای از تورات و صحف انبیا نزد کسی یافت می شد، مجازاتش اعدام می بود. با این حال، به شهادت تاریخ، افرادی بودند که با شجاعت این کتب را پنهان ساخته، حفظ نمودند.

### گواهی و تأیید عیسی مسیح

مهم تر از همه اینکه عیسی مسیح رسالت خود را بر اساس پیشگوییهای عهدعتیق (یعنی تورات و صحف انبیا) آغاز کرد. او در موعظه بالای کوه فرمود: «گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود» (متی ۵:۱۷ و ۱۸). او همواره از عهدعتیق نقل قول می آورد و آن را کلام جاودانی خدا می دانست. او تمام تعالیم خود را بر شالوده عهدعتیق استوار می کرد. در مباحثاتش با ملایان یهود نیز از عهدعتیق حجت می آورد. بدون عهدعتیق او چگونه می توانست ادعا کند و ثابت نماید که همان مسیحی موعود است. پس از عروج مسیح به آسمان، رسولان برگزیده او نیز عهدعتیق را اساس کار و تبشیر خود قرار دادند. آنان بر اساس عهدعتیق به یهودیان ثابت می کردند که عیسی ناصری همان مسیحی موعود در عهدعتیق می باشد. برای رسولان مسیح، عهدعتیق کلام مقدس و غیرقابل تغییر خدا بود. این امر بیانگر آن است که تا زمان عیسی مسیح و رسولانش، عهدعتیق تحریف نشده بوده، چرا که در این صورت ایشان آن را اعلام می داشتند.

### امکان تحریف عهدجدید

#### چند سؤال مهم

#### تحریف؟ چه زمانی، چه کسی، کجا؟

حال ممکن است کسی بگوید که خود عهدجدید (انجیل) تحریف شده، در نتیجه تمام اشارات مسیح به تحریف عهدعتیق نیز از آن حذف شده است! خصوصاً با توجه به اینکه عیسی مسیح خود چیزی ننوشت و رسولان او بودند که شهادت عینی خود را نوشتند و کتاب عهدجدید را به وجود آوردند.

در اینجا باید به یک نکته بسیار مهم توجه داشت. در روزگار عهدجدید، کتابت دیگر امری رایج بود. بشر دیگر از لوح های گلی یا سنگی برای نوشتن استفاده نمی کرد، بلکه از کاغذهایی که از گیاهی به نام پاپیروس درست می شد. برای نوشتن متون مقدس یا درباری نیز پوست حیوانات، به خاطر دوام بیشترشان، مورد استفاده قرار می گرفت. تعداد افراد تحصیل کرده نیز در سرزمینهای تحت سلطه امپراطوری روم نیز بسیار بود. یهودیان، به خاطر اعتقادات مذهبی شان، کودکان خود را به کنیسه ها می فرستادند تا کتب مقدسه و خواندن و نوشتن بیاموزند.

به همین جهت، نوشته های رسولان مقدس عیسی مسیح، به خاطر اهمیتشان خیلی سریع نسخه برداری می شد و در کلیساهای نقاط مختلف جهان آن روزگار، به عنوان نوشته های مقدس مسیحیت حفظ می شد.

امیدواریم هیچیک از معتقدین به تحریف عهدجدید، بر این باور نباشند که خود رسولان برگزیده عیسی مسیح دست به تحریف گفته های مسیح یا نوشته های خود زدند. اکثر رسولان مسیح در راه اعتقاد خود و تبشیر و تبلیغ آن به طرز فجیعی شکنجه و کشته شدند. چطور چنین افرادی می توانستند گفته های مسیح را تحریف کنند و جان خود را در راه

اعتقادی از دست بدهند که خودشان نیز می دانستند دروغ است و «من در آوردی»؟ به علاوه، اعتقاد به اینکه رسولان زندگی و تعالیم مسیح را تحریف کردند، به منزله اعتقاد به این است که عیسی در انتخاب رسولان خود اشتباه فرمود و افرادی ناصالح و فاسد را برگزید. امیداوریم کسی چنین اعتقادی نداشته باشد، چرا که این امر کفر به خدا و مسیح او است. مسیح می دانست چه کسانی را انتخاب می کند. او حتی از آغاز می دانست که یکی از شاگردانش، یهودای اسخریوطی، به او خیانت خواهد کرد، با اینحال، او را نیز برگزید و به او نیز مجال توبه داد. او در انتخاب خود اشتباه نکرد.

لذا در شرایطی که این نوشته های مقدس در اقصا نقاط جهان پخش شده بود، اگر یکی از رهبران در گوشه ای از دنیا قصد می کرد که این کتب را تحریف کند، چیزی نمی گذشت که عملش برملا می شد و خودش نیز رسوا. اگر کسی ادعا کند که رهبران جهان مسیحیت، در یکی از دوره های تاریخ کلیسا، «همگی» و «در همه جا» و «به یکباره» فاسد و منحرف شدند و تصمیم گرفتند که نوشته های مقدس رسولان را تحریف کنند، باید پذیرفت که چنین فرضی نه منطبق با عقل است، و نه منطبق با شهادت تاریخ!

### آیا تمام مطالب عهد جدید تحریف شده است؟

علاوه بر همه اینها، باید پرسید کدام قسمت های عهد جدید تحریف شده است؟ آیا همه کتاب؟ این منطقی نیست که بگوییم تمام خطوط و کلمات کتاب عهد جدید دستخوش تغییر شده است. بعضی ممکن است بگویند که بعضی از قسمت های خاص عهد جدید تحریف شده است. اگر چنین باشد، اولاً باید مشخص کرد که این قسمت ها کدامند، ثانیاً نتیجه می گیریم که بقیه قسمت ها دست نخورده اند!

### بی پیرایگی و سادگی مطالب کتاب مقدس

معمولاً وقتی کسی داستانی جعلی می سازد، سعی می کند با شاخ و برگ های عجیب و غریب آن را بپیراید. اما ماجراهای کتاب مقدس، حتی حیرت انگیزترین آنها نیز چنان بی پیرایه و بی تکلف است که انسان را از صداقت نویسنده مطمئن می سازد.

برای مثال، ماجرای باز شدن دریا در زمان موسی بسیار ساده بیان شده است. جریان بارداری مریم عذرا از روح القدس نیز در نهایت بی پیرایگی شرح داده شده است.

### شهادت باستان شناسی

از نظر علمی، موضوع تحریف کتاب مقدس منتفی است. نسخه های خطی متعددی که از عهد عتیق و عهد جدید یافته شده، گواهی است محکم بر اینکه کتاب مقدس در طول تاریخ بدون خدشه و تغییر باقی مانده و مکاشفه معتبر و موثق الهی است.

### نسخ خطی عهدعتیق

از عهدعتیق نسخ خطی قدیمی متعلق به قرون چهارم و پنجم میلادی باقی مانده است، اما این نسخ هیچیک حاوی متن عبری عهدعتیق نبوده، بلکه یا ترجمه‌های یونانی آن است، یا ترجمه‌های لاتین و غیره. به‌هرحال، تمام این ترجمه‌ها گواه بر این است که در قرون اولیه مسیحیت، متن عهدعتیق همان بوده است که امروز در اختیار داریم. تا سال ۱۹۴۷، قدیمی‌ترین نسخه خطی عهدعتیق به‌زبان عبرانی، متعلق به قرن دهم میلادی بود. امروزه همین متن (که متن ماسورتی نامیده می‌شود) برای ترجمه عهدعتیق به زبانهای مختلف به‌کار می‌رود. اما منتقدین همیشه ادعا می‌کردند که نسخه‌ای متعلق به قرن دهم آنقدر قدیمی نیست که گواه بر این باشد که متن آن همان است که پیش از ظهور مسیحیت بوده است.

اما در سال ۱۹۴۷ و سالهای بعدی، یک پسرک چوپان در سرزمین فلسطین در اثر یک تصادف عجیب، نسخه‌های خطی بسیار قدیمی کشف کرد که محققین را شگفت‌زده ساخت. ایشان پس از مطالعات جدی بر روی این نسخه‌های خطی، ناگهان متوجه شدند که برای نخستین بار به دستنویسهایی از عهدعتیق به زبان عبرانی دست یافته‌اند که متعلق به قرون دوم قبل از میلاد تا قرن اول میلادی است. این کشف عجیب باعث دگرگونی کامل نظر منتقدین گردید و نه فقط ثابت کرد که متن عهدعتیق امروزه همان است که در دوران پیش از میلاد مسیح بود، بلکه حاکی از این است که علمای یهود در حفظ و رونویسی کتب مقدسه خود تا چه حد دقت و وسواس داشته‌اند.

### نسخ خطی عهدجدید

اما در مورد عهدجدید، مسأله کاملاً فرق می‌کند. وجود چندین هزار نسخه خطی کامل و قطعات کوچکتر عهدجدید به‌زبان یونانی (زبان اصلی عهدجدید) جای شکی باقی نگذاشته که متن این کتاب همان است که از ابتدا بوده است. کشفیات جدید نیز این امر را محقق‌تر ساخته است.

علاوه بر نسخ یونانی، وجود ترجمه‌های متعدد به زبانهای مختلف متعلق به قرون اولیه مسیحیت، گواهی است استوار بر موثق بودن عهدجدید.

همچنین، پدران کلیسا از پایان قرن اول میلادی تا قرون چهارم و پنجم، همواره از کتاب‌های عهدجدید نقل قول کرده‌اند. تعداد این نقل قول‌ها آنچنان زیاد است که اگر حتی متن عهدجدید امروزه در دست ما نمی‌بود، باز می‌توانستیم تمام مطالب آن را از روی این نقل قولها بازسازی کنیم.

### نتیجه

برای یک فرد صادق، توجه به نکات فوق، و نیز مطالعه کتاب‌های سودمند علمی که در این زمینه وجود دارد، جای هیچگونه تردیدی باقی نمی‌گذارد که کتاب مقدس کلام موثق و معتبر خداست و امروزه نیز همان قدرتی را داراست که در روز اول دارا بود. کتاب مقدس همچون شمشیری است که به اعماق قلب و روح انسان فرو می‌رود، گناهان او را

آشکار می سازد، و او را به سوی توبه و ایمان راستین به خدا رهنمون می شود. کتاب مقدس کتابی است قابل اعتماد. امیدواریم این بحث کوتاه، در روشن ساختن برخی جوانب مسأله مؤثر باشد. سوالات و نظرات شما طبعاً در تکمیل این مقاله بسیار مفید خواهد بود.